

انتخاب والدینی و مدرسه ابتدایی روستایی: سبک زندگی، محل و وفاداری^۱

ماریون والکر و گوردن کلارک

ترجمه مسعود زمانی مقدم^۲

چکیده

این مقاله به بررسی جغرافیای انتخاب والدینی در یک منطقه روستایی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه گروهی از والدین راه و روش خودشان را از طریق فرآیند انتخاب مدرسه ابتدایی انتقال می‌دهند. در این مقاله از داده‌های مردم‌نگارانه‌ای که از طریق مصاحبه‌ها و مشاهدات با والدین و کارکنان از سه مدرسه ابتدایی در انگلستان گردآوری شده، استفاده شده است. این پژوهش از مفاهیم سرمایه، عادتواره^۳ و میدان^۴ بوردیو بهره برده است تا نشان دهد که چگونه منابع و ارزش‌های والدین بر انتخاب مدرسه برای فرزندانشان تأثیر می‌گذارد. افزون بر این، نشان داده می‌شود که والدینی که در محله اقامت طولانی داشته‌اند نه تنها تحت تأثیر سرمایه فرهنگی‌شان بوده‌اند بلکه تحت تأثیر پیوندهای خانوادگی و تعهدات احساسی نسبت به محله روستایی خود نیز بوده‌اند و بنابراین این والدین بیشتر تمایل به حمایت از مدرسه روستایشان را داشتند. در مقابل، والدین تازه‌وارد اخیر، از سرمایه فرهنگی و قدرت مکانی خود برای یافتن جایی که آن‌ها اعتقاد دارند برای مدرسه بهتر است، استفاده می‌کنند. این مقاله استدلال می‌کند که والدین تازه‌وارد، وفاداری کمتری به مکان دارند و از این رو، به موقعیت نمادینی که مدرسه در اجتماع روستایی نیز دارد، وفاداری کمتری نشان می‌دهند.

واژگان کلیدی

جغرافیای آموزش، انتخاب والدینی، مهاجرت روستایی، نظریه بوردیو، قدرت فضایی، بازتولید اجتماعی

^۱ این مقاله ترجمه‌ای است از مقاله زیر:

Walker, Marion and Clark, Gordon (2010), "Parental choice and the rural primary school: lifestyle, locality and loyalty", *Journal of Rural Studies*, 26 (3), 241-249

^۲ masoudzmp@yahoo.com

^۳ habitus

^۴ field

مقدمه

مانند تمامی مدارس انگلیسی از زمان اصلاح نظام آموزشی⁵ در سال 1988، مدارس ابتدایی روستایی موضوع سیاست‌های دولت برای افزایش استانداردهای آموزشی از طریق بازاری کردن آموزش و نهاد سازوکارهای انتخاب والدینی بوده‌اند. باوجوداین، اثر بازار بر مدارس ابتدایی روستایی و والدین مصرف‌کننده همچنان در دست بررسی است. ادبیات و متون انتخاب والدینی عمدتاً بر انتخاب در مناطق شهری متمرکز شده است (گولدرینگ و هاوسمن، 1999). به‌استثنای وینست و همکارانش (2004) تحقیق در داخل بخش پیش‌دبستانی، بر انتخاب در درون بخش ثانویه متمرکز بوده است (کروزیو و دیگران، 2008؛ لگران، 1991؛ ری، 1996؛ ری لوسی، 2000؛ تیلور، 2001؛ ویلز و ایکولز، 1992). این مقاله با نشان دادن پیچیدگی‌های انتخاب مدرسه ابتدایی برای والدینی که در مناطق روستایی در انگلستان می‌کنند، به شکاف در این متون می‌پردازد.

به‌طور سنتی، مدارس ابتدایی انگلیسی به‌عنوان تأمین‌کننده مدارس متوسطه عمل می‌کنند و برای برخی از والدین انتخاب بخش ابتدایی اولین قدم به‌سوی تأمین مکانی برای مدرسه متوسطه بهتر است. به‌هرحال، این‌ها والدین انتخاب‌گر و ماهر طبقه متوسطه هستند. پیشنهاد جویرتز و همکاران بر مبنای این است که افراد اغلب چگونه در درازمدت اولین تصمیم استراتژیک گوناگون در انتخاب مدرسه ابتدایی، که ساخت‌وساز دقیق مدرسه حرفه‌ای فرزندشان را در برمی‌گیرد (جویرتز و همکاران، 1995). این کار در مطالعات اخیر توسط جامعه‌شناسان آموزش و پرورش بسط داده شده است (بال و همکاران، 2004؛ بال وینست، 2005؛ وینست و همکاران، 2004) که در آن شیوه‌هایی نشان داده شده‌اند که طبق آن راهبردهای آموزشی طبقه متوسط از سن بسیار کم شکل می‌گیرد (بال و همکارانش، 2004). انتخاب والدینی درون بخش پیش‌دبستانی به‌طور اجتماعی موقعیتی است که بچه‌ها تحت تأثیر شغل‌های آموزشی بلندمدت آن‌ها هستند (وینست و همکاران، 2004). کار بر این فرض است که مناطق متمایز، سبک‌های زندگی متفاوتی را در طبقه متوسط بازتاب می‌دهند (باتلر و رابسون، 2003 به نقل از وینست و همکاران، 2004: 233). وینست و همکاران در مورد یک رویکرد انعطاف‌پذیرتر برای فرآیند انتخاب والدینی با در نظر گرفتن پیوند بین طبقه اجتماعی، سبک زندگی و مکان بحث می‌کنند. در مقابل مک داوول و همکاران (2006) درباره انتخاب‌های خانوارهای طبقه متوسط شهری تحقیق می‌کنند که در آن در مورد مراقبت از کودکان نشان‌دهنده این است که مکان ایستا و محدود به روابط اجتماعی نیست، بلکه در عوض در ارتباط تنگاتنگ با طیف وسیعی از فرآیندهای اجتماعی در مقیاس‌های مختلف و در دوره‌های زمانی متفاوت قرار دارد (مک داوول و همکاران، 2006: 216). مک داوول و همکاران (2006) پیشنهاد

⁵ Education Reform Act (ERA)

می کنند که اهمیت مکان برای طبقه متوسط ممکن است کاهش پیدا کند. در این مقاله ما اهمیت مکان را برای والدینی که درباره مدرسه ابتدایی در یک محل روستایی مذاکره می کنند، در نظر می گیریم.

با رسم ادبیات انتخاب والدینی از جامعه شناسی آموزش و پرورش و از ظهور جغرافیایی ادبیات آموزش پرورش (باتلر و هامنت، 2007؛ باتلر و رابسون، 2003؛ گالسون و سیمز، 2007؛ وارینگتون، 2005). این مقاله پیرامون چگونگی تفکر و تأمل از طریق آموزش و پرورش، بینشی ارائه می دهد (هانسون تیم، 2008). همچنین می تواند تفکر انتقادی جغرافیایی را توسط روشن کردن پویایی های قدرت فضایی (مکانی) و سرمایه فرهنگی از طریق فرآیند انتخاب والدینی مطلع کند. این مقاله فرآیند انتخاب برای والدین در سه مدرسه ابتدایی روستایی که در نزدیکی جغرافیایی بسته ای واقع شده اند را در نظر دارد. هر مدرسه حدود سه مایل دورتر از دو مدرسه دیگر است. والدین شامل ساکنین روستایی هستند که اقامت طولانی و بلند مدت داشته اند. و برای اهداف این مقاله ما به آن ها اشاره می کنیم در حالی که به والدینی که اخیراً به این منطقه نقل مکان کرده اند به عنوان تازه واردها اشاره خواهیم کرد. مدرسی که در وضعیت منطقه یا محله مرفه تری هستند اعتبار و شهرت بهتری دارند. مجموعه مطالعات کشف می کنند که چرا والدین مدرسه ابتدایی را به عنوان یک جای برتر از دیگر مکانها در نظر می گیرند و چرا بعضی از والدین فرستادن فرزند خودشان را به مدرسه ای دیگر در نزدیکی شان انتخاب می کنند، با وجود اینکه موجب هزینه های سفر زیاد و وقت اضافی می شود. این مقاله استدلال می کند که والدین تازه وارد وفاداری کمتری به مکان دارند و از این رو، به موقعیت نمادینی که مدرسه ها در اجتماع روستایی دارند نیز وفاداری کمتری نشان می دهند. در نتیجه تازه واردها احتمال بیشتری دارد که مکان هایی را سبک و سنگین کنند تا آنچه را که آن ها اعتقاد دارند مدرسه بهتری است پیدا کنند. بعضی مواقع همان مدرسه به عنوان انتخاب محلی خواهد شد (اما انتخاب به دلایل مختلف) و گاهی اوقات هم آن مدرسه ای متفاوت خواهد شد.

طبقه اجتماعی، منابع و سبک زندگی

تحقیقات تجربی موجود نشان می دهند که پیدا کردن مدرسه بهتر یک فرآیند پیچیده است که توسط والدین و محدودیت های ساختاری تحمیل می شود. انتخاب از یک سو توسط طیف و مقداری از منابع که والدین در اختیارشان دارند و از سوی دیگر توسط ارزش هایی که آن ها حمایت می کنند، تحت تأثیر قرار می گیرد. متون آموزش و پرورش نشان می دهند که در بخش ثانویه، والدین و دانش آموزان متأثر از موفقیت تحصیلی هستند (برادلی و همکاران، 2000 و 2001؛ بال، 1993؛ ری، 1996؛ لوسی، 2000؛ وینست، 2001) با استناد به جدول انجمن و دفتر استانداردها در گزارش های آموزش و پرورش (Ofsted) انتخاب والدینی تحت تاثیر شایعه و اعتبار محلی (بال و وینست، 1998) و فاصله رفت و آمد به مدرسه و ارتباط با مکان قرار دارد (کروزر و همکاران، 2008؛ جویرتر و همکاران، 1995؛ ری و

لوسی، 2000). اگرچه گفتمان انتخاب حاکی از این است که فرصت‌های برابر برای همه وجود دارد، پژوهش نشان می‌دهد که انتخاب توسط شماری از محدودیت‌های ساختاری اجتماعی و اقتصادی اداره می‌شود و این فرآیند به موقعیت طبقه اجتماعی، سبک زندگی و منابع مرتبط است. مفهوم نئولبرال انتخاب به والدین چیزی خود ارائه داده است. همچنین اشاره می‌کند که والدین می‌توانند یک انتخاب را ابراز کنند اما لزوماً به این معنی نیست که آن‌ها انتخاب خواهند کرد. انتخاب بیشتر در دسترس کسانی است که مهارت‌ها و منابع برای کار در نظام را دارا می‌باشند و این بهترین مزیت است، اما متون اولیه فرآیند انتخاب والدینی را بین جبر و طرفدار فعالیت قطبی کرده است؛ که اشاره دارد به بین والدینی غیر فعال یا انتخاب‌کنندگان طبقه کارگر که ارتباطشان با انتخاب مدرسه قطع شده و انتخاب‌کنندگان ماهر و نیمه ماهر طبقه متوسط، در اصطلاحی گسترده، فرآیند انتخاب مدرسه خیلی متفاوت است.

اما تحقیقات وینست و همچنین وارنیگتون نشان می‌دهد که رویکرد متفاوت انتخاب والدینی برای محسوب کردن وظایف طبقاتشان اهمیت دارد که والدین طبقه متوسطی که در بخش دولتی (در آموزش و پرورش و دیگر حرفه‌های کاری) با والدین طبقه متوسطی که در پست‌های مدیریتی و نظارتی در بخش خصوصی کار می‌کنند از هم متمایز می‌کند. او اشاره می‌کند که والدین حرفه‌ای آموزشی آن‌هایی هستند که به سرمایه فرهنگی‌شان به‌عنوان یک دارایی وابسته اند که هم به هویت آن‌ها کمک می‌کند و هم شانس تولید مثل فرزندان در طبقه متوسط را اداره می‌کند. در تضاد کامل با این، وارنیگتون نشان می‌دهد که در آرمان‌های آموزشی والدین طبقه کارگر ممکن است برای فرزندان خود کینه داشته باشند والدینی که در مناطق اجتماعی محروم و فضاهای نابرابر زندگی می‌کنند. آن‌ها بی‌اثر شدن سرمایه فرهنگی‌شان را تجربه می‌کنند.

درواقع، همانطور که مسی (1995) اشاره می‌کند طبقه متوسط بیشتر از طبقه کارگر تحرک فضایی دارند. بنابراین آن‌ها قدرت فضایی (مکانی) بیشتری دارند. اگرچه نظریه‌پردازی تربیت کردن روستایی تحت پژوهش است (اسمیت و هایللی، 2008). باتلر (1997) از طریق پژوهش او در تربیت کردن شهری نشان می‌دهد که چگونه انتخاب مدرسه یکی از راه‌هایی است که در آن طبقه متوسط می‌تواند از قدرت خودشان بهره ببرند تا از راه‌حل‌هایی نظیر انتقال دادن خانه یا طی کردن مسافت‌های طولانی استفاده کنند تا مطمئن شود فرزندان‌شان به بهترین مدرسه در دسترس خواهند رفت. باوجود این، تحلیل طبقه اجتماعی معاصر نشان می‌دهد که تقسیمات سفت و سخت طبقاتی بین طبقات کارگر و متوسط دیگر برای مقابله با پیچیدگی و تنوع زندگی خانوادگی روستایی به‌اندازه کافی انعطاف‌پذیر نیستند.

انتخاب و بازار: کار پی‌یر بوردیو

بنابراین تحقیق کیفی بر انواع منابعی که والدین دارند متمرکز می‌شود مثل مدت زمان و هزینه اقتصادی که در برمی‌گیرد، انتخاب مدرسه از یکی از محلات و یا راه‌های دیگر که بعضی از والدین چیزهایی نظیر اخلاق مدرسه را بالاتر از شهرت تحصیلی در اولویت قرار می‌دهند. در توضیح این وضعیت بسیاری از نویسندگان مفاهیم رابطه‌ای سودمند بورديو از قبیل سرمایه، عادتواره و میدان را پیدا کرده‌اند. و ما اکنون به تبیین این می‌پردازیم که چرا این مفاهیم برای چهارچوب این مطالعه اساسی هستند.

پژوهش ما مسائلی را در مورد ساختارهای بازی و درجه قدرت والدین در عملیاتی کردن سازگارهای انتخاب مدرسه برای مزیت بیشتر را افزایش می‌دهد. بنابراین در پیوند ساختار با افراد چارچوب عاملیت ساختار را اتخاذ می‌کنیم که از اندیشه بورديو سرچشمه می‌گیرد و توصیه می‌کند که این دیدگاه قادر است دیدگاهی طبقه‌بندی‌شده از موضوع را با حضور قدرت خاص متفاوت در هر سطحی را به دست دهد. اساساً مفاهیم سرمایه، عادتواره و میدان برای استفاده به‌عنوان ابزار تجربی قابل‌انعطاف طراحی می‌شدند و همان‌طور که ماهر خاطر نشان می‌کند آن‌ها یک روش که مستقیماً به‌عنوان ابزار تجربی قابل‌انعطاف طراحی شدند و همان‌طور که ماهر خاطر نشان می‌کند، آن‌ها روشی که مستقیماً نسبت به تحلیل اعمال اقتصادی و اجتماعی بکار می‌رود و همچنین به‌صورت پایدار برای پژوهش مردمنگاران در آموزش و پرورش، ارائه می‌کنند. محققین این طراحی کار بورديو را همچنان ادامه می‌دهند. به دلیل ارتباط نظری با آموزش و پرورش در پیوند با سطوح دستیابی دانش آموزان و آرزوهای والدین متفاوت، سرمایه افراد را برای به دست آوردن موقعیت قادر می‌سازد که سپس علایقشان با عادت‌هایشان در داخل میدان اعمال اجتماعی صورت می‌گیرد. به‌طوری‌که به‌عنوان مثال در زمینه آموزش و پرورش، والدین دارای اشکال متفاوت سرمایه و تعامل آن‌ها با عادت‌هایشان (یا منش) برای یک مدرسه ویژگی‌های خاص اعم از رتبه‌بندی مبتنی بر ایمان، اندازه، اخلاق یا وضعیت تحصیلی را در اولویت قرار می‌دهند. بورديو در کتابش «تمایز» پیشنهاد می‌کند که شیوه‌ها و ذائقه‌های فرهنگی که شامل سطح آموزش و پرورش هستند می‌توانند به‌عنوان شاخص‌های طبقه اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند. به‌طوری‌که ارتباطات می‌تواند بین مزیت طبقه و دانش آموزشی از طریق مفهوم سرمایه فرهنگی ساخته شوند.

در هر حال، مهم این است که توجه داشته باشیم که این سه ابزار مفهومی در واقع منطقی و عقلانی هستند و استفاده از آن‌ها به‌خوبی در نظر گرفته نشده است. بنابراین، درک انتخاب نه تنها باید نسبت به دسترسی به سرمایه بلکه همچنین نسبت به مفهوم درونی عادتواره هم در نظر گرفته شود. دووی (2005: 284) عادتواره را این‌گونه توضیح می‌دهد: آن راه شناخت جهان است و همچنین ری خاطر نشان می‌کند عادتواره‌ها بر ارتباط والدین با مسائل محلی تاریخ و جغرافیا تأثیر دارد. از این‌رو، زمینه را برای فرآیند

انتخاب کردن افراد می‌کند. سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی با عادت‌واره‌های شخصی تعامل دارند و شکل می‌دهند چهارچوبی را که در آن والدین عمل می‌کنند.

در این مقاله ما طراحی می‌کردیم مفاهیمی را برای روشن کردن راه‌هایی که در آن سرمایه و عادت‌واره بر انتخاب والدین مدرسه در یک زمینه روستایی تأثیر می‌گذارند. کار بورديو اغلب بر تضاد متمرکز است و در این مقاله ما به‌طور خاص تضادهایی که والدین تحت فشارهای متفاوت در انتخاب با آن روبه‌رو می‌شوند را مطالعه کرده‌ایم. مدرسه‌ایدئال و نزدیک‌ترین و از همه جهات بهترین مدرسه ممکن است وجود نداشته باشد. ما مطالعه می‌کنیم که چگونه والدین این تضادها را حل و فصل می‌کنند. مازاد فراگیر مکان‌های مدرسه ابتدایی روستایی در کشور ما به این معنی است که تضاد میان والدین برای مکان‌های کمیاب در مدارس بیش از حد مشترک رخ نمی‌دهد با استفاده از این ما اکنون به رابطه این بحث با احترام به انتخاب والدینی در یک منطقه روستایی در شمال انگلستان می‌پردازیم.

روش‌شناسی

این مقاله فعل و انفعالات پیچیده بین سه مدرسه و والدین مصرف‌کننده در زمینه مکان بازاری آموزش در نظر می‌گیرد و بنابراین به روش‌شناسی‌ای نیاز دارد که به ما اجازه دهد که به‌جای چشم‌پوشی از این پیچیدگی‌ها با آن‌ها درگیر شویم. بنابراین ما به‌منظور بررسی افراد واقعی در موقعیت‌های واقعی یک رویکرد روش‌شناختی کیفی ترکیبی انتخاب کردیم که شامل مصاحبه‌های عمقی، مشاهدات غیر مشارکتی و تحلیل ثانویه داده‌ها می‌شود. در این مقاله از داده‌هایی که در سه مدرسه ابتدایی روستایی طی ترم تحصیلی تابستان و پاییز در سال 2004 جمع‌آوری شده، استفاده شده است. تحلیل شهرستان‌ها و گزارش‌های ofsted و اطلاعیه‌های مدرسه در یک هفته از مشاهدات در هر مدرسه و یادداشت‌های زمینه‌ای و جزئیات جمع‌آوری شده است و سی و چهار مصاحبه نیمه ساختاری با کارمندان شورای شهرستان، والدین و مسئولین به عمل آمده است. مصاحبه‌ها بین یک تا یک و نیم ساعت زمان برد. همه رونویسی و تجزیه و تحلیل شده و مجموعه سؤالاتی طراحی شد. اسامی مدارس، شرکت کنندگان و تمام نقاط مورد بحث در این مقاله نام‌های مستعار هستند.

این شهرستان دارای جمعیت کم و تراکم بالای مدارس ابتدایی با صد یا کمتر دانش‌آموز است. با توجه به اینکه سه مدرسه حدود پنجاه دانش‌آموز و یا کمتر دارند، در طبقه‌بندی مدارس به‌عنوان مدارس خیلی کوچک سه مدرسه در معرض خطر بسته شدن قرار دارند. در شهرستانی که مازاد مکان‌های مدرسه را دارا می‌باشد، کار مدارس در یک خوشه به‌ویژه بودجه آن‌ها نسبت به مدارس کوچکی که گزارش شده‌اند برای کار در مدارس مشابه است. واقعیت این است که مدارس در آنچه تیلورا اشاره کرده به‌عنوان "عرصه

رقابتی محلی" عملیاتی است. این سه مدرسه مکان‌های مازاد دارند و به رقابت با همسایه‌شان نیاز دارند برای جذب دانش آموزان به طوری که انتخاب مدرسه در این زمینه برای والدین واقعی است. این وضعیتی نیست که بیشتر دانش آموزان در مکان مدرسه هستند. مقامات محلی از سیستم آبریز و خارج از آبریز استفاده می‌کنند. به همین دلیل ما به این تفاوت طبقه‌بندی بین دانش‌آموزانی که تمایل به نزدیک‌ترین (آبریز) مدرسه دارند و آن‌هایی که چنین تمایلی ندارند اشاره می‌کنیم. به‌رحال سیستم (مورد استفاده در کشورهای دیگر) از مرز جغرافیایی یک منطقه آبریز برای اطمینان از دانش آموزان توزیع می‌شود بین مدارس و در این شهرستان مکان‌های مازاد بومی هستند. شهرستان توسط فراوانی نعمت و محرومیت مشخص شده‌اند و سه مدرسه مورد مطالعه ما در روستاهای نسبتاً مرفه واقع شده‌اند. با وجود این، دو روستای گرین وایت و لودال حدود سه مایل باهم فاصله دارند و یک روستای صنعتی با جمعیت بسیار گذرا و مقامات محلی بسیار و املاک مجاز. در زمان جمع‌آوری داده‌ها، مدرسه ارتباطات لودال بیش از هشتاد دانش‌آموز داشت و در آغاز به‌عنوان مدرسه‌ای تعیین شد که منابع بسیاری برای خانواده‌های محلی و دانش‌آموزان فراهم می‌کند. هیچ‌یک از دانش‌آموزان در سه مدرسه ما از روستای لودال منتقل نشده‌اند و کسی در مطالعه ما دیده نشده که فرزندش را به مدرسه لودال بفرستد. مدیر مدرسه، باربارا، معتقد است که والدین طبقه کارگر در لودال خواسته‌اند که فرزندانشان را به اینجا بفرستند اما حتی اگر آن‌ها یک اتومبیل خوب می‌داشتند بازهم آن‌ها همیشه پول برای بنزین کم می‌آورند. در مقابل بین لودال و سه مدرسه برجسته دیگر ارتباط برای والدین بین طبقه، منابع و انتخاب وجود دارد.

کلیسای فیلدسند در مدرسه داوطلبانه کنترل شده انگلستان

مدرسه فیلدسند یک مدرسه‌ای تازه تأسیس و پذیرای کودکان 4 تا 11 ساله است. بچه‌ها به سه کلاس تقسیم می‌شوند. مدرسه سه کلاس درس، یک حال، اتاق کارمندان، کتابخانه، اداره، زمین بازی و یک باغچه دارد. مدرسه نزدیک به روستایی سبز، کلبه‌های روستایی، انبارهای تبدیل و کلیسا است. برخی از خانه‌های روستا جدیدند که شامل خانه‌های مقرون‌به‌صرفه و طیف وسیعی از خدمات از جمله میخانه، هتل، پارکینگ، سالن، منطقه بازی کودکان، مهدکودک و مرکز پزشکی می‌شوند. قدمت ساختمان مدرسه برمی‌گردد به قرن نوزدهم و تحت عنوان‌های مختلف وظایف و کارکردهای بیشتر را فراهم کرده است. از ویژگی‌های اصلی آن این است که هویت تاریخی آن حفظ شده است. مدرسه فیلدسند به‌طور ملی به‌عنوان یک مدرسه موفق نامیده می‌شود و از این رو اعتبار و شهرت محلی را برای یک مدرسه خوب بودن داراست. آلیسون (مدیر مدرسه) می‌گوید که این مدرسه برای والدین بچه‌هایی که واجد شرایط نیستند بیانی‌ای برای نیازهای ویژه صادر می‌کند. برای بچه‌هایی که واقعاً بودجه‌ای ندارند این مدرسه در حال حاضر در سطح محلی به گونه‌ای مثبت شناخته شده است.

مدرسه اجتماع گرین وایت

مدرسه گرین وایت یک مدرسه تازه تأسیس و راهنمایی برای بچه‌های 4 تا 11 ساله است. بچه‌ها به دو کلاس تقسیم می‌شوند. مدرسه یک کلاس درس، یک دفتر برای مدیر و یک آشپزخانه و دفتر کوچک برای منشی دارد. خدمات بسیار کمی در روستا وجود دارد. به غیر از مدرسه، سالن و کلیسا و مدرسه ویکتوریایی که در آن محل در روستا ساخته شده است وجود دارد. مدرسه از نظر بصری در قلب اجتماع (جامعه روستایی) قرار گرفته است. مدرسه برای خود به‌طور محلی، استانداردهای بالای علمی و هنری مشهور دارد و تئاتر و موسیقی در این مدرسه درس داده می‌شوند. این مدرسه توجه رسانه ملی را برای برنده شدن جایزه رقابت هنر علمی جلب کرده که برای آن معرفی کنندگان بالقوه را فراهم می‌کند. مدیر مدرسه، بیل، معتقد است که اعتبار برجسته مدرسه برای بقای آن حیاتی و لازم است. بیل به‌طور خاص از هدف قرار دادن والدین از حوزه مدرسه است. او والدین را جذب می‌کند که در گرین وایت به‌عنوان "برتر" در نظر گرفته می‌شوند. قضاوت بیل درباره مدرسه محلی خود و تشخیص آن این است که هزینه‌های انتخاب برای والدین "زمان"، "حمل و نقل" و "تعهد" است.

مدرسه اجتماع مارشلند

مدرسه مارشلند مدرسه‌ای تازه تأسیس و راهنمایی برای بچه‌ها 4 تا 11 ساله است. مدرسه دو کلاس، یک کتابخانه، یک سالن، یک دفتر، یک آشپزخانه (وعده‌های غذایی مدرسه در این محوطه پخته می‌شود) و یک زمین بازی دارد. بچه‌ها به سه کلاس تقسیم می‌شوند. دسترسی دانش آموزان برای ورود کمی پایین‌تر از سطح انتظارات است. مدرسه در دهه 1960 ساخته شد. روستا ترکیبی از خانه‌های شامل: انبار تبدیل، خانه‌های مدرن جدا، تراس‌های کوچک کلبه‌ای و خانه‌های ارتباطات را دربرمی‌گیرد. خدمات کلیسا شامل یک میخانه، یک کلیسا، یک نمازخانه و یک نانویی است. این مدرسه دارای اعتبار برای همکاری نزدیک با اجتماع محلی است. و برای اولین بار در منطقه به ارائه تمدید مراقبت از کودکان، باشگاه بعد از مدرسه و مرکز پرستاری پرداخت. مدیر مدرسه ربکا تشخیص می‌دهد که این مدرسه دارای مزیت بازاریابی است زیرا قطعاً والدینی وجود دارند که به‌عمد این مدرسه را انتخاب می‌کنند زیرا این از مراقبتی است که ما فراهم می‌کنیم. در بخش زیرا از طریق مضامین سبک زندگی و وفاداری ما پیچیدگی انتخاب کردن والدین با منابع سرمایه‌شان و عادت‌واره‌های آن‌ها را کشف می‌کنیم تا بفهمیم که چگونه منابع و ارزش‌ها به فرآیند انتخاب کردن برای این مجموعه از والدین، اطلاع می‌دهند.

انتخاب کردن والدین، آشنا و ناشناخته

برای برخی والدین انتخاب مدرسه یک فرآیند پیچیده نیست که اداره می‌شود توسط پیوندهای خانوادگی برای مدرسه محلی خودشان جنی از والدین محلی، یک کار پاره‌وقت به‌عنوان کارمند صندوق‌دار در تجارت خانوادگی دارد و از والدینی است که به مدرسه گرین وایت کمک می‌کند. شوهر او مدیر یک شرکت است و همچنین از والدینی است که مدرسه را اداره می‌کند. هر دو فرزند آنها در نزدیک‌ترین مدرسه حضور دارند. و در اینجا جنی توضیح می‌دهد که چگونه وضعیت خانواده تحت تأثیر تصمیم انتخابی او قرار گرفت: مدرسه دیگری در آن منطقه وجود ندارد، من انتخاب کردم، من خانواده‌ای در روستا دارم و هر دو برادرزاده من در اینجا آموزش دیده‌اند. برای برخی از والدین جذابیت مدرسه روستایی در ارتباط است با شرح منظره‌ای از زندگی روستایی و همان طور که وود خاطر نشان می‌کند: این اسطوره برای تشویق مهاجران به حرکت به سمت حومه شهر بوده است. والدین تازه‌وارد مختلفی (که در نهایت انتخاب خارج از محدوده داشته‌اند) مشکلات بیان‌شده‌شان در واقع در مورد پیدا کردن مدارس است. و این فرآیند را روندی طولانی و پیچیده توصیف می‌کنند. پائولا به یاد آورد که او اطلاعات را تنها در مدارس حوضه آبریز داده بود: «ما در مورد مدرسه دیگر چیزی نگفتیم» و سامانتا گفت: «من حتی نمی‌دانستم یک مدرسه در اینجا بوده است. من همچنین در این منطقه تازه‌وارد بودم». مهاجران تازه‌وارد فاقد دانش محلی درباره مدارس اطراف هستند و بنابراین به تلاش بیشتری به‌منظور انتخابشان نیاز دارند.

سبک زندگی و انتخاب مدرسه

برای چندین والدین تازه‌وارد، انتخاب مدرسه در ارتباط است با سبک زندگی و تصمیم برای مهاجرت به حومه شهر. کارل، معلم سابق و تازه‌وارد از آلمان، گفت: «من و همسرم به یک ملک با مقداری زمین برای اسب‌هایمان نیاز داریم پس ما در گرین وایت می‌مانیم. بدون مدرسه ما در واقع نمی‌توانیم به اینجا نقل مکان کنیم». کارل مشتاق بود که فرزندش در نزدیک‌ترین مدرسه حضور داشته باشد زیرا آن کاری بود که وقتی بچه بود انجام داده بود. ما به سمت مدرسه قدم زدیم. والدین من هیچ‌وقت ما را با اتومبیل به مدرسه نمی‌بردند. خوشبختانه کارل و همسرش سرمایه اقتصادی برای خرید یک خانه در روستا را داشته‌اند. که در مورد آن منشی مدرسه گفت: «آن یک رویداد غیرمعمول برای یک خانواده جوان بود. آن‌هم به دلیل قیمت بالای خانه‌ها اندازه مدرسه نیز یک موضوع بود». کارل مدرسه‌های کوچک را ترجیح می‌داد زیرا به‌عنوان یک معلم تجربه‌اش این بود که در کلاس‌های کوچک‌تر مشکلات آسان‌تر می‌توانند حل شوند. آنچه کارل را به‌طور خاص به گرین وایت پیوند داده بود این بود که مراقبت از بچه‌ها در اینجا و توجه شخصی کارل مثل والدین شهری ثروتمند و کلیشه‌ای است که اقدام بر خرید یک مدرسه درست کرده است و درست برای کارل، یک آموزش درونی است و تحت تأثیر عادت‌هایش مثل اینکه او ترجیح می‌دهد بچه‌اش را به یک مدرسه محلی خیلی کوچک بفرستد، قرار دارد.

مدارس ابتدایی اغلب مشخص و بهتر تصور می‌شوند و دلیل آن، اندازه کوچک آن‌ها و مراقبت از اخلاق خانوادگی است. در واقع، پروژه تحقیقاتی گسترده‌تر که در آن، این مقاله نشان می‌دهد که سه عامل - اندازه مدرسه کوچک، مراقبت از اخلاق خانوادگی و توجه یک‌به‌یک - اغلب توسط والدین تازه‌وارد به‌عنوان متغیرهایی که آن‌ها را به انتخاب روستایی جذب می‌کند، ذکر می‌شوند و اجازه می‌دهد که والدین ویژگی‌های خاص فرزندانشان را به حساب آورند و آن ویژگی‌ها را با مدارس تطابق دهند. کالین و همسرش (که یک پزشک عمومی است) یک خانه جداگانه و چهارخوابه در روستای فیلدسند خریدند که مدیر مدرسه آلیسون گفت: در حال تبدیل شدن به مکانی برگزیده است. معلم سابق و کالین تازه‌وارد به پسر پنج‌ساله‌اش (جیمز) گفت که او می‌خواهد خودش را برای حضور در مدرسه‌ای کوچک که جیمز در آن می‌تواند کمک بیشتری از کارمندان بگیرد، آماده کند. با این حال کالین ایت با دو کلاسش که بیش از حد کوچک هستند و نسبت به مدرسه بزرگ‌ترش کلاس فیلد سند بسیار مناسب‌تر برای جیمز است را در نظر گرفت. کالین گفت: من فکرمی کنم این خوب است که همه، همدیگر را بشناسند، همه بچه‌ها و والدین و کارمندان را می‌شناسند و این به اندازه مدرسه مربوط است و من فکر می‌کنم آن بزرگ‌ترین نقطه مثبت یک مدرسه است. اندازه مدرسه همچنین بر فکر کردن بلندمدت کالین در مورد انتخاب دبیرستان تأثیر می‌گذارد.

فیلد سند در منطقه آبریز از مدرسه دبیرستان کوچک در فایرتون است. علاوه بر این، در اینجا ما مشاهده می‌کنیم که چگونه آموزش و پرورش خودی یا درونی کالین همچنین تحت تأثیر مدرسه داری خودش قرار گرفت: «ما در این منطقه به مدرسه متوسطه (دبیرستان) فایرتاون مشتاق بودیم. من به یک دبیرستان نسبتاً کوچک رفتم و من همیشه احساس می‌کردم که مدارس کوچک مزایای بسیاری دارند».

کالین مانند کارل در حال خرید مدرسه‌ای است که او به‌عنوان مدرسه درست ترجیح می‌دهد. اما در این مورد مدرسه درست برای کالین از بخش ابتدایی به متوسطه گسترده می‌شود. از این رو، طرح و نقشه‌های کالین برای مدرسه پسرش، نوعی از طرح‌ریزی‌های بلندمدت طبقه متوسط است. به همین ترتیب انتخاب برای کالین همچنین تحت تأثیر عادت‌ها و تجربه شخصی خودش از حضور در مدرسه کوچک قرار دارد. با این همه تازه‌واردان نمی‌توانند اقدام به خرید خانه‌ای در روستا با توجه به انتخاب مدرسه‌شان کنند. لوسی و شوهرش که یک هنرمند خوب و مستقل است از شهریه فایرتاون مهاجرت کردند، یک شهرک روستایی کوچک که حدوداً هفت مایل از فیلدسند فاصله دارد. لوسی مانند تعدادی از والدین که مورد مصاحبه قرار گرفتند نگران این بود که فرزندش در ته کلاس سی نفره قرار گیرد و همچنین او فیلدسند را به جای یکی از مدرسه‌های بزرگ‌تر در فایرتاون انتخاب کرده است: «او بسیار خجالتی بود و من فکر می‌کنم او ممکن است در ته کلاس بزرگ قرار بگیرد. به او گفتم که او باهوش است من فقط احساس

کردم که در یک کلاس بزرگ اگر تو بتوانی کارهایت را انجام دهی ممکن است چیزهای بیشتری از دست دهی و شاید بیشتر تحت فشار قرار بگیری و همچنین من فکر کردم او علیه کمرویی اش مبارزه کرده است زیرا من فکر می‌کنم بودن در آنجا فقط شبیه گروه کوچک تری است که به او کمک می‌کند»

با وجود این، انتخاب کردن مدرسه روستایی کوچک تر نیاز به انعطاف پذیری زمانی و مکانی بیشتری نسبت به تمام وقت دارد. لوسی خانه دار به دلیل آنکه دو بار در روز به مدت چهارده مایل در رفت و آمد است. اگر هر دو فرزندش در فیلدسند حضور داشته باشند پایان مدرسه رفتن ابتدایی آن‌ها ده سال طول می‌کشد. پژوهشی توسط لیتل و آستین نشان می‌دهد که مادرها حومه شهری را در نظر دارند که یک مکان امن تر از شهر برای فرزندانشان باشند. سیان نیز از شهر به حومه شهر نقل مکان کرد تا برای دو فرزندش آنچه را که او به عنوان سبک زندگی روستایی می‌نامد، فراهم کند. سیان یک مشاور کسب و کار مستقل با مدرک کارشناسی ارشد آموزش و پرورش جامعه است. و شوهرش یک معلم سابق مدرسه در اشتانیر است آن‌ها مشتاق به پیدا کردن مدرسه‌ای با کلاس‌هایی با اندازه کوچک بودند و همچنین آن‌ها، مدرسه نزدیک تری که میانگین دانش آموزان کلاس آن سی نفر بود را رد کردند. و تصمیم گرفتند مدرسه‌ای خیلی کوچک در گرین وایت را انتخاب کنند. سیستم آموزش و پرورش در انگلستان با بچه‌ها و همچنین جوانان شروع می‌شود. دیدگاه ما این است که بچه‌ها تا هفت سالگی باید بازی کنند وقتی ما به اینجا نقل مکان کردیم، پسر من بیشتر از این سن داشت و به مدرسه نرفته بود بنابراین ما فکر کردیم که هیچ نکته‌ای در قرار دادن او با سی بچه وجود ندارد. کودکانی که هم سن او بودند اما به شیوه‌ای که پشت آن‌ها، کارمندان اساسی بودند. همچنین ما فکر کردیم اطراف را می‌بینیم و برای یک روز می‌آییم و می‌نشینیم و در مورد آن فکر می‌کنیم آن‌ها به اندازه قوی برای مقابله با مشکلات هستند. او نمی‌خواهد نشان داده شود. زیرا او می‌خواهد در یک کلاس با کودکان چهار، پنج یا شش ساله باشد.

در حال رفت و آمد روزانه از یک روستای دیگر منجر می‌شود که سیان در ایستگاه مدرسه احساس کند که یک ماهی بیرون از آب است. ایدئال او این است که بچه‌ها به سمت مدرسه پیاده روی کنند اما به این منظور که برای خودشان آموزش را فراهم کنند سیان منابعی دارد که او را قادر می‌سازد که انتخاب را اعمال کند. در وهله اول خانواده سرمایه را برای نقل مکان از شهر داراست. دوم اینکه او و شوهرش سطوح بالایی از سرمایه آموزشی دارند که به آن‌ها برای انتخاب مدرسه‌ای که فکر می‌کنند بهترین مدرسه برای فرزندانشان است، اعتماد به نفس می‌دهد. سوماً هر دو والدین خود اشتغال هستند که به آن‌ها انعطاف بیشتری در ساعات کار می‌دهد. و به آن‌ها این امکان را برای قبول رفتن به مدرسه‌ای در چهارده مایلی و آن هم دو بار در روز را می‌دهد.

سامانتا، خانه‌دار تمام‌وقت و تازه‌وارد، همچنین خودش را به دو بار در روز و فاصله دوازده مایلی مدرسه به‌جای انتخاب برای مدرسه محلی خودش متعهد کرده است. شوهر سامانتا یک وکیل است و آن‌ها اخیراً از لندن به حومه شهر نقل مکان کرده‌اند. سامانتا وقت کافی برای رفتن به مدرسه که گاهی اوقات سه بار مسافرت می‌کند در روز را دارد. در مواقعی او در عصر به مدرسه برمی‌گردد تا از فعالیت‌های مدرسه مانند کلاس ایروبیک هفتگی برای کارمندان و والدین حمایت کند. تجربه او در هر دو بخش دولتی و خصوصی در لندن او را متقاعد کرد که رفتن هرروزه به مدرسه‌اش را دارد. مانند سیان که اطراف را قبل از انتخابش نگاه می‌کرد، سامانتا خودش را به‌عنوان یک مادر ظالم و زورگو توصیف می‌کند. او از چهار مدرسه قبل از اینکه مارشلند را انتخاب کند بازدید کرد. با وجود این، مدارسی با ده دانش‌آموز یا بیشتر با سن شش‌سالگی کلید مرحله دو امتحانات را ندارند: «من در حال دیدن مناطق آن‌ها برای بهبود بودم. من در حال دیدن نتایج اولیه بودم. سپس خلاصه آن را خواندم. ofsted همیشه لذت بسیاری در مورد مدارس دارد». آن فقط بستگی دارد به اهدافی که آن‌ها استفاده می‌کنند. علاوه بر این برای بررسی دقیق خودش از گزارش‌ها، سامانتا همچنین با استفاده از مهارت‌هایش او از مادرش یاد گرفت که مسافرت به اطراف را برای پیدا کردن یک مدرسه، شکست‌خورده توصیف کند. سامانتا به ارزش بیرونی و صلاحیت‌های تحصیلی توجه می‌کند و می‌خواهد که پسرش در یک مدرسه دستور زبان انتخابی محلی حضور داشته باشد. در اینجا او توضیح می‌دهد که چگونه تجارب شخصی خودش همراه با سرمایه اقتصادی، رویکردش به موقعیت پسرش تحت تأثیر قرار می‌دهد.

روشن است که سامانتا در فرآیند انتخاب مقدار زیادی زمان و تلاش صرف کرد. چیزهایی که سیان نیز در انتخاب مدارس سرمایه‌گذاری کرد. اما به طور قابل توجهی این دو والدین مدارس متفاوتی انتخاب کردند. که حدود سه مایل از هم فاصله دارند. سامانتا گرین‌وایت را در نظر داشت. زیرا او خیلی کوچک بود در حالیکه سیان مخصوصاً یک مدرسه خیلی کوچک می‌خواست. سامانتا از گزارش‌های ofsted مشورت می‌خواست اما سیان بیشتر بر سرمایه آموزشی‌اش و دانش درونی شوهرش متکی بود. در سنخ-شناسی انتخاب‌کنندگان هم سامانتا و هم سیان جز طبقه متوسط و ماهر هستند. اما آن‌ها در مورد فرآیند انتخاب، پیش می‌گیرند. هدف نهایی سامانتا این است که پسرش امتحان ورودی برای انتخاب محلی مدرسه را پاس کنند. اما هدف سیان این است که فرزندش در مدرسه‌ای حضور داشته باشد که توجه زیادی به جنبه بیانی بچه‌ها در برنامه‌ریزی درسی ملی داشته باشد. یکی از چیزهایی که او درباره گرین-وایت دوست دارد این است که به نظر او، دانش‌آموزان در مورد امتحانات بیش‌ازحد نگران نیستند. در حالیکه سامانتا اعتقاد دارد که آن اهمیت دارد برای پسرش که ساعات زیادی را هر روز صرف تجدید امتحانات به منظور گوش دادن به تلویزیون می‌کند. تفاوت بین این مادرها این است که سامانتا یک انتخاب‌کننده طبقه متوسط ماهر مدیریت است. که اعتمادش در مقیاس عمومی نظیر گزارش‌های ofsted

می باشد. در مقابل، سیان بر سرمایه آموزشی شخصی خودش و پایگاه آموزشی درونی شوهرش متکی است و همچنین و همچنین سیان در واقع یک انتخاب کننده حرفه‌ای ماهر طبقه متوسط است.

مکان و انتخاب مدرسه

برای والدین تازه‌وارد که می‌توانند از عهده خرید محل برآیند و برای آن والدینی که خارج از حوزه آبریز زندگی می‌کنند و می‌توانند از عهده زمان و هزینه رفت و آمد روزانه مدرسه برآیند، انتخاب به نظر می‌رسد دارای مزیت باشد. باین حال همه شرکت کنندگان موافق نیستند که والدین انتخاب داشته‌اند. پاسخ کلی والدین محلی این بود که والدین باید مدرسه‌های حوزه شان را حمایت کنند و اگر انجام ندهند. بین اجتماع محلی نفاق می‌افتد و موجب می‌شود بقای مدرسه به خطر افتد. یکی از والدین محلی، مدرسه‌ای را دید که خدمات اساسی به اجتماع ارائه می‌کند. من فکر کردم اگر روستا مدرسه از دست بدهد روستا واقعاً می‌میرد. زیرا آن (مدرسه) کانون فعالیت روستاست. اگر چه جنی می‌داند که مدرسه باید برای دانش آموزان خارج از حوزه طراحی شود. تا نقش دانش آموزان را حفظ کند. او عصبانی می‌شود که والدین خارج از حوزه تلاش زیادی برای حمایت از مدرسه مانند محلی‌ها نمی‌کنند.

ریموند که صاحب یک مزرعه محلی است، گفت که وقتی مدرسه ابتدایی تعطیل شد اجتماع تحت تاثیر آن قرار گرفت. آن به روستا ضربه زد زیرا مدرسه یک چیز مرکزی است. ریموند بعد از آن در مدرسه جدیدش در مارشلند حضور داشت. همچنین او سه فرزند داشت. وقتی مدرسه یک گزارش ofsted پایین در سال 1997 دریافت کرد. ریموند آگاه بود، همچنین بسیاری از والدین محلی از سه مدرسه در این خوشه بودند. که اگر تعداد دانش آموزان کم شد مدارس کوچک در معرض خطر بسته شدن بودند و درباره این انتخاب گفت: «این خوب است».

ریموند احساس کرد که والدین باید مدرسه محلی خودشان را با کمک کردن به حل مسائل و مشکلات، پشتیبانی کنند. به‌عنوان مثال پائولای تازه‌وارد انجام داد وقتی او پسرش را از مارشلند به گرین وایت که نزدیکتر بود، منتقل کرد. گرین وایت که در سال 1997 و در گزارش های ofsted به‌عنوان مدرسه‌ای فقیر اعلام شده بود. اما به‌عنوان یک تازه‌وارد پائولا وفاداری کمی به محل دارد و او توسط نیازهای شخصی اش برای پسرش رانده شده بود و او گفت: من شنیده ام که همه چیز در مارشلند درست نیست و همچنین او پسرش را از مدرسه برداشته بود. باین حال ریموند به مدرسه محلی اش (گرین وایت) وفاداری شدیدی احساس کرد. و او می‌خواست آن را برای اجتماع روستایی حفظ کند. در واقع چندین تن از مشارکت کنندگان در مارشلند منابعی برای والدین ساختند و واضح بود که تنش‌ها هنوز میان محلی‌ها بالا بود و خشمگین بودند که مدیریت مشاور پائولا، پسرش را به یک مدرسه خارج از حوزه منتقل کرده

است. سامانتهای تازه وارد نیز احساس بدی را تجربه کرده است زیرا او خارج از حوزه انتخاب کرد و گفت: «در روستا، من برچسب پرافاده خورده بودم. و بسیاری از افراد به مدت زیادی با من صحبت نمی کرد. زیرا من فرزندم را به مدرسه محلی نفرستادم».

اما سامانتهای که از لندن آمده گفت که او از داشتن برای مبارزه برای هر چیزی استفاده می کند. واکنش او به افرادی که نزدیکترین مدرسه را انتخاب می کنند این بود که آنها گزینه آسان را برداشته اند. کیت تازه وارد اعتقاد دارد که والدین محلی انتخاب آسانی را در برمی دارند، زیرا دو مدرسه با پنجاه دانش آموز یا بیشتر توسط ofsted به عنوان مدارس خیلی کوچک توصیف شده اند: «شما در صحبت کردن درباره مردم محلی متوجه شدید که من در اینجا متولد شده ام و تربیت شده ام. که اگر شما ده مایل خارج از این منطقه بروید آنها کاملاً حیرت زده هستند. برخی از افراد خارج شهرستان نبوده اند. آنها به صورت محلی ازدواج کرده اند و همه خانواده آنها محلی هستند. من ساعت پنجاه مسافرت کردم تا مادرم را ملاقات کنم. اما این افراد والدین خود را به روستا بردند و بنابراین بله، اگر آنها می خواستند به مدرسه حرکت کنند، سفر کردن نیازی نبود». کیت خانه دار تمام وقت است و لیسانس انگلیسی و هنرهای تصویری دارد و با یک مدیر صنعتی ازدواج کرده است. بعد از نقل و مکان از چندین خانه، نهایتاً ساکن روستای مارشلند شد. اگرچه دختر کیت در مدرسه محلی حضور دارد، کیت وفاداری کمی به مارشلند دارد. و گفت که او هرکاری انجام می دهد تا دخترش به مدرسه ای ارجح تر دسترسی پیدا کند. گرچه درون یا خارج از حوزه باشد. علاوه بر این صبر کمی دارد و مدام ناله می کند. او گفت: «باید بلند شوید و در ماه مارس روی پای خود بایستید». کیت به وضوح فاقد درک درستی از موانع نظیر هزینه های حمل و نقل و زمان که برای برخی از والدین در تحقق انتخاب مدرسه وجود دارد می باشد. در مقابل، مارگارت که یکی از والدین محلی و کشاورز پاره وقت است رها شد وقتی پسرهایش از مهد کودک به نزدیکترین مدرسه شان در دو مایلی منتقل شد و گفت: «من مجبور بودم که برای رسیدن به مهد کودک پنج و نیم مایل را طی کنم».

با وجود این، همه والدین محلی فرزندانشان را به نزدیکترین مدرسه نمی فرستند، برخی از محلی ها (به ویژه آنهایی که در فایرتاون هستند) یک مدرسه خارج از حوزه انتخاب می کنند و بیشتر موضوع های قلدری، ناخشنودی و یا نزول در استانداردهای مدرسه را در نظر می گیرند. والدین مختلفی رفتن به مدرسه در صبح با رانندگی والدین و خارج از حوزه مدرسه را توصیف کرده اند. ناتالی گفت: من هر روز آنها را منتقل کردم، من این شیوه را می خواستم و آنها آن شیوه را می خواستند. ناتالی یک مادر محلی است که خارج از حوزه انتخاب کرده است. زیرا در آن زمان، مدرسه محلی اش دشواری هایی را تجربه می کرد. مدیر در داخل و خارج بود و یک حالت عصبی داشت. همچنین هیچ تمرکزی واقعی وجود نداشت. در طی

سال‌های مدرسه ابتدایی خودش، ناتالی در یک مدرسه ابتدایی خارج از حوزه قرار داشت. زیرا خانواده خود را انتقال داده بودند و به جای آن مدرسه ناتالی را هر روز تغییر می‌دادند. انتخاب کردن یک مدرسه دیگر بنابراین به نظر نمی‌رسد چنین تصمیم غیر معمولی برای فرزندانش بگیرد. مثل والدین تازه‌وارد که قبلاً توضیح داده شد. در انتخاب خارج از حوزه، ناتالی یک خانه دار تمام وقت با ماشین شخصی‌اش بود. و او وسیله حمل و نقل و همچنین زمان داشت تا برای دخترانش انتخابی بکند. اگر جوان‌ترین فرزندش در مدرسه فیلد سند باقی می‌ماند تا به بخش ثانویه حرکت کند. سپس ناتالی از اجتماع محلی‌اش به اجتماع مدرسه به مدت 14 سال رانده خواهد شد. اگرچه برخی از والدین محلی فکر می‌کنند که انتخاب، اختلاف برانگیز است. انتخاب برای والدینی مانند ناتالی مزایایی دارد. به هر حال، برای والدین محلی مثل جنی ریموند، مدرسه نه تنها خدمات حیاتی به اجتماع ارائه می‌کند. بلکه نماد هویت اجتماع آن‌ها را نیز بازنمایی می‌کند. و هر دوی والدین وفادار بودند و نیز مشتاق بودند که برای حمایت از مدرسه محلی‌شان کار کنند. با وجود این همان‌طور که ما با والدین تازه‌واردی مثل پائولا، سامانتا و کیت می‌بینیم. نظام آموزش و پرورش بازار محور والدین مصرف‌کننده را تشویق می‌کند. که توسط علایقشان برانگیخته شوند. وظیفه برای بچه یک نفر وفاداری به مدرسه محلی (به عنوان نمادی از اجتماع گسترده‌تر) یک هستند و برای برخی از والدین یکسان هستند و برای دیگران، فرد و جمع در مخالفت با منافع خانواده خارج از مقایسه با منافع اجتماع می‌باشند.

نتیجه‌گیری

این مقاله برخی از پیچیدگی‌های فرآیند انتخاب مدرسه را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه تفاوت در فرآیند انتخاب بین والدینی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند ارزشمند است. انتخاب مدرسه برای بعضی از والدین بر یک عامل مبتنی بود. برای دیگران انتخاب ترکیبی از عوامل بود. برای مثال برخی والدین، مدرسه محلی در حوزه خود را انتخاب می‌کنند زیرا آن‌ها می‌خواستند به طرف مدرسه قدم بزنند. برخی آن را به دلیل پیوندهای خانوادگی‌شان با مدرسه انتخاب می‌کنند و دیگران به دلیل احساس وظیفه به حمایت از اجتماع محلی دست به انتخاب می‌زنند. با این حال، برای والدینی که احساس نمی‌کردند نزدیک‌ترین مدرسه بهتر است، انتخاب رفت و آمد روزانه به یک مدرسه دورتر را در برمی‌گیرد. تحمیل هزینه‌هایی که به انعطاف‌پذیری فضایی و زمانی جنسیتی نیاز دارد. از این رو اغلب این انتخاب برای مادرانی بود که درگیر در رفت و آمد مدرسه بودند. با وجود این، محدودیت‌های زمان و پول به معنای آن بود که انتخاب برای برخی از والدین بیشتر از دیگران انتخابی در دسترس بود.

متون انتخاب والدینی شهری پیشنهاد می‌کند که اغلب والدین طبقه متوسط هستند که قدرت فضایی بیشتری برای عملی کردن سازوکار انتخاب والدینی دارند. این مقاله نشان می‌دهد که این انتخاب در

خارج از روستا انجام می‌شود. مکان بازار مدرسه ابتدایی توسط آن‌هایی که می‌توانند از عهده هزینه و زمان رفت و آمد روزانه یا والدینی که می‌توانند خانه را انتقال دهند، صدق می‌کند. با وجود این، همان‌طور که ما در این مقاله نشان دادیم وضعیت طبقه اجتماعی، قدرت پیش‌بینی در داخل فرآیند انتخاب مدرسه را دارد. (به‌ویژه وقتی مدرسه لادال با سه مدرسه دیگر که در اینجا مطالعه شده مقایسه می‌شود) اما عوامل دیگری وجود دارد که همچنین نقش بازی می‌کند. انتخاب در واقع چندبعدی است. به همین دلیل ما از مفاهیم منطقی بوردیو از قبیل سرمایه و عادت‌واره‌ها استفاده کردیم تا به ما کمک کند بر این پیچیدگی‌های فرآیند انتخاب نزد والدین فائق آییم. والدین نه تنها در این فرآیند سرمایه اقتصادی‌شان را می‌آورند بلکه همچنین سرمایه فرهنگی‌شان که شامل مدارک آموزشی و از همه مهم‌تر برای برخی، دانش درونی یا خودی در نظام آموزشی نیز هست را هزینه می‌کنند. والدین با انتخاب بیشتر، والدینی با مقدار بیشتری از سرمایه اقتصادی و فرهنگی هستند.

با این حال، انتخاب برای اکثریت والدین در این مطالعه توسط تجارب دوران کودکی‌شان تعدیل شد. برخی از والدین مثل کارل می‌خواستند مدرسه‌ای که خودشان در آن بوده‌اند را بازتولید کنند که شامل معیارهایی مثل کوچک و محلی بود. درحالی‌که برخی از والدین مثل سامانتا می‌خواستند بچه‌هایشان آموزش بهتری از آنچه خودشان تجربه کرده‌اند، داشته باشند. همچنین والدینی وجود داشتند که در کوتاه‌مدت فکر می‌کردند به‌طوری‌که انتخاب مدرسه ابتدایی پایانی برای خودشان بود و پس از راهبردهای بلندمدت وجود داشت مثل کالین که فراتر از ابتدایی به بخش ثانویه فکر می‌کرد. شیوه‌های بسیاری وجود داشت که در آن یک مدرسه می‌تواند یک مدرسه بهتر شود. با والدینی نظیر سیان و مارگارت، انتخاب کردن مدرسه‌ای یکسان با دلایل متفاوت را مشاهده کردیم. سیان گرین وایت را انتخاب کرد زیرا هم اندازه‌ای کوچک و هم اخلاق مدرسه را دارا بود. درحالی‌که مارگارت آن را به این دلیل انتخاب کرد که آن نزدیک‌ترین مدرسه برای او بود. در واقع این فرآیندی است که در آن نتایج یکسانی توسط والدین با دلایل متفاوت، به دست آمد. بنابراین با برجسته کردن فرآیندهای متفاوت به جای نتایج، ما دوران کودکی شخصی والدین و تجارب کاری آن‌ها از طریق تجسم مفهوم عادت‌واره مطالعه کردیم و در نظر گرفتیم که چگونه عادت‌واره‌ها بر فرآیند انتخاب اثر می‌گذارند.

برای برخی از والدین محلی مثل ناتالی، تجربه دوران کودکی‌اش از حضور در یک مدرسه خارج از حوزه او را وادار کرد که به دنبال یک مدرسه جایگزین بگردد وقتی مدرسه محلی‌اش دشواری‌هایی تحمل می‌کرد. با وجود این، برای اکثر والدین محلی مثل ریموند، انتخاب مدرسه شامل یک تعهد احساسی به اجتماع روستایی است که مدرسه محلی را نیز در بر می‌گیرد. به هر حال، مطالعه نشان می‌دهد که همه مشارکت کنندگان اعتقاد ندارند که انتخاب لزوماً خوب بود. برخی آن را در واقع به‌عنوان یک

عامل اختلاف برانگیز در اجتماع دیدند. والدین تازه‌وارد تعهد کمتری به مکان داشتند و بنابراین بیشتر تمایل به خرید در اطراف نسبت به والدین محلی بودند که وفاداری قوی تری برای حمایت از مدرسه محلی داشتند. در یک محیط شهری این شاید کمتر قابل مشاهده باشد. وقتی والدین از مدرسه محلی شان حمایت نمی‌کنند. باین‌حال در یک مکان روستایی، جایی که مدارس کمتری وجود دارد و مرزهای اطراف اجتماع روستایی بیشتر قابل مشاهده است این بیشتر دیده می‌شود وقتی والدین مدرسه روستایی محلی را انتخاب نمی‌کنند.

بیشتر رویکرد اخیر به انتخاب والدینی با کارکردهای طبقه اجتماعی، سبک زندگی و وفاداری در ارتباط است حاکی از آن است که برای خانواده‌هایی با بچه‌هایی در سن مدرسه رفتن، انتخاب شیوه زندگی شامل انتخاب مدرسه است و آن با مکان در ارتباط است. باین‌حال، پژوهش این مقاله نشان می‌دهد که این خیلی ساده است. سبک زندگی برای والدین تازه‌وارد کافی نیست و مکان خاصی نیز نمی‌باشد. آن برای مدرسه روستایی درست است. یقیناً صحیح است که متون مهاجرت روستایی نشان می‌دهند که افرادی که یک سبک زندگی روستایی را انتخاب می‌کنند و همچنین مایل به پیوستن به اجتماع روستایی هستند که فرض را شامل حمایت کردن از مدرسه محلی می‌گیرند. اما همان‌طور که مک دوال و همکارانش نیز نشان داده‌اند، با طبقه متوسط شهری سبک زندگی لزوماً مکان خاصی ندارد. بعضی از والدین تازه‌وارد و بعضی از والدین محلی در این مطالعه درگیر در یک مهاجرت روزانه از یک اجتماع روستایی به اجتماعی دیگر شدند. به‌منظور فراهم نمودن فرزندانشان با انتخاب مدرسه ارجح تر که پیشنهاد می‌کند. سبک آموزشی و بازتولید می‌کند مزایای اجتماعی‌ای که برای این والدین از وفاداری به اجتماع مهم‌تر بودند.

با وجود این، والدین تازه‌وارد اغلب به مکان نسبت به ساکنین بلند مدت و از اینرو به موقعیت نمادینی که مدارس در اجتماع روستایی، جایی که آن‌ها زندگی می‌کردند، وفاداری کمتر دارند. وفاداری به مکان که در میان تازه‌واردین کم اهمیت تر شده است. نتیجه‌ای از بازاری شدن آموزش و پرورش است. وفاداری به مکان کم تر توس سیاست‌های سفت و سخت منطقه اجرا می‌شود. و اکنون توسط مدارس از این والدین که سرمایه فرهنگی و اقتصادی برای تجربه انتخاب واقعی دارند، بدست آمده است. واقعیت این است که سه مدرسه در این مطالعه در یک منطقه محلی کار می‌کنند جایی که یک روند روبه رشد از نزول تعداد دانش آموزان در این شهرستان وجود دارد. بنابراین هر دانش آموزی که خارج از حوزه به مدرسه ابتدایی روستایی جذب شد از مدرسه بسته شده به مدرسه‌ای که در آستانه بسته شدن است. منتقل می‌شود. سیاست انتخاب مدرسه والدین را با منابع برای انتقال فرزندانشان با اتومبیل از یک روستا به روستای دیگر تشویق می‌کند تا تلاش کنند مدرسه بهتر را پیدا کنند. به هر حال همان‌طور که مطالعه ما

نشان می‌دهد. برای والدین دشوارتر است که خود را کاملاً درگیر انتخاب مدرسه کنند وقتی مدرسه‌ای در نزدیک‌شان وجود ندارد. علاوه بر اینکه رانندگی خارج از حوزه برای رسیدن به مدرسه افزایش یافته است. وقتی بچه‌ها درگیر پیاده روی و دوچرخه سواری به مدرسه به دلیل سلامتی بودند. پژوهش آینده ممکن است تغییرات در انتخاب‌های والدین را بررسی کند و نیز هزینه‌های مسافرتی افزایش یابد و دستاوردها و شهرت مدارس فردی رو به افول برود.

قدردانی‌ها

ما از کارکنان، والدین و داوطلبین در این سه مدرسه که برای شرکت در پژوهش موافقت کردند سپاسگزاریم. ماریون همچنین می‌خواهد که از ESRC برای سرمایه‌گذاری کمک‌هزینه فوق دکترای خود تشکر کند و نهایتاً از دکتر جو آرمسترانگ و نیز پروفیسور اندر و سایر نظرات مفیدشان تشکر می‌کنیم.

منابع

- Archer, L., and Francis, B. (2006) Challenging classes?: exploring the role of social class within the identities and achievement of British Chinese pupils. *Sociology* 40, 29-49.
- Archer, M. S. (2000) *Being Human: The Problem of Agency*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ball, S. J. (1993) Education markets, choice and social class: the market as a class strategy in the UK and the USA. *British Journal of Sociology of Education* 14 (1), 3-19.
- Ball, S. J. (2003) *Class Strategies and the Education Market: The Middle-Classes and Social Advantage*. London, Taylor and Francis.
- Ball, S. J. and Vincent, C. (1998) „I heard it on the grapevine“: „Hot“ knowledge and school choice. *British Journal of Sociology of Education* 19(3), 377-400.
- Ball, S. J. and Vincent, C. (2005) The 'childcare champion'? New Labour, social justice and the childcare market. *British Educational Research Journal* 31(5), 557-570.
- Ball, S. J., Vincent, C., Kemp, S. and Pietikainen, S. (2004) Middle class fractions, childcare and the „relational“ and „normative“ aspects of class practices. *The Sociological Review* 478-502.

- Bell, A. and Sigsworth, A. (1987) *The Small Primary School: A Matter of Quality*. East Sussex, The Falmer Press.
- Bourdieu, P. (1977) *Outline of a Theory of Practice*. Cambridge, Cambridge University Press.
- Bourdieu, P. (1984) *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. London, Routledge and Kegan Paul.
- Bradley, S., Crouchley, R., Millington, J. and Taylor, J. (2000) Testing for quasi-market forces in secondary education. *Oxford Bulletin of Economics and Statistics* 62(3), 357-390.
- Bradley, S., Johnes, G. and Millington, J. (2001) The effect of competition on the efficiency of secondary schools in England. *European Journal of Operational Research* 135, 545-568.
- Butler, T. (1997) *Gentrification and the Middle Classes*. Aldershot, Ashgate.
- Butler, T. and Hamnett, C. (2007) The geography of education: introduction. *Urban Studies* 44(7), 1161-1174.
- Butler, T. and Robson, G. (2003) Plotting the middle classes: gentrification and circuits of education in London. *Housing Studies* 18, 5-28
- Cloke, P., Phillips, M. and Thrift, N. (1995) The new middle-classes and the social constructs of rural living. In *Social Change and the Middle-Classes*, pp. 220-238, Butler, T. and Savage, M. (eds). London, UCL Press.
- Cloke, P. and Thrift, N. (1990) Class and change in rural Britain. In *Rural Restructuring: Global Processes and their Responses*, pp. 165-181, Marsden, T., Lowe, P. and Whatmore, S. (eds). London, David Fulton.
- Cohen, A. P. (ed) (1982) *Belonging: Identity and Social Organisation in British Rural Cultures*. Manchester, Manchester University Press.
- Crozier, G., Reay, D., James, D., Jamieson, F., Beedell, P., Hollingworth, S. and Williams, K. (2008) White middle-class parents, identities, educational choice and the urban comprehensive school: dilemmas, ambivalence and moral ambiguity. *British Journal of Sociology of Education* 29(3), 261-272.
- DfE (Department of Education) (1992) *Choice and Diversity: A New Framework for Schools (Cm. 2021)*. London, HMSO.
- DfES (Department for Education and Skills) (2004) *2003 Primary School (Key Stage 2) Performance Tables*. http://www.dfes.gov.uk/performance/primary_03/p4.shtml (Accessed 22/04/04.)

- Defra (Department for Environment, Food and Rural Affairs) (2004) Review of the rural white paper - Our countryside: the future. London, Defra Publications.
- DETR (Department for Environment, Transport and the Regions) (2000) Our Countryside: the Future - a fair deal for rural England (Rural White Paper, Cm. 4909). London, HMSO.
- DfT (Department for Transport) (2004) Walking and cycling: an action plan <http://www.dft.gov.uk/pgr/sustainable/walking/actionplan/> (Accessed 05/11/09).
- Dovey, K. (2005) The silent complicity of architecture. In *Habitus: A Sense of Place* 2nd ed., pp. 283-296, Hillier J. and Rooksby, E. (eds). Aldershot, Ashgate.
- Forsythe, D. (1984) The social effects of primary school closure. In *Locality and Rurality: Economy and Society in Rural Regions*, Bradley, T. and Lowe, P. (eds). Norwich, Geo Books.
- Francis, B. and Archer, L. (2005) British-Chinese pupils' and parents' constructions of the value of education. *British Educational Research Journal* 31(1), 89-108.
- Gewirtz, S., Ball, S. J. and Bowe, R. (1993) Values and ethics in the education market place: the case of Northwark Park. *International Studies in Sociology of Education* 3(2), 233-253.
- Gewirtz, S., Ball, S. J. and Bowe, R. (1995) *Markets, Choice and Equity in Education*. Buckingham, Open University Press.
- Goldring, E. B. and Hausman, C. S. (1999) Reasons for parental choice of urban schools. *Journal of Education Policy* 14(5), 469-490.
- Gulson, K.N. and Symes, C. (eds) (2007) *Spatial Theories of Education: Policy and Geography Matters*. New York, Routledge.
- Hansom Thiem, C. (2008) Thinking through education: the geographies of contemporary educational restructuring. *Progress in Human Geography* 1-20.
- Le Grand, J. (1991a) Quasi-markets and social policy. *Economic Journal* 101, 1256-1267.
- Le Grand, J. (1991b) Liberty, equality and vouchers. In *Empowering the Parents: How to Break the Schools Monopoly*, pp. 77-90, Green, D. G. (ed). London, IEA Health and Welfare Unit.
- Limb, M., and Dwyer, C. (eds) (2001) *Qualitative Methodologies for Geographers: Issues and Debates*. London, Arnold.

- Little, J. and Austin, R. (1996) Women and the rural idyll. *Journal of Rural Studies* 12(2), 101-111.
- Local Government Association (2000) Education in Rural Communities: Report by the Local Government Association Education and Lifelong Learning Working Group. <http://www.lga.gov.uk/Documents/Publication/RuralIssues.PDF> (Accessed 19/08/05.)
- Mahar, C. (1990) „Pierre Bourdieu: the intellectual project“. In *An Introduction to the Work of Pierre Bourdieu: The Practice of Theory*, R. Harker., Mahar, C. and Wilkes, C. (eds). Hampshire, Macmillan Press.
- Massey, D. (1995) Reflections on gender and geography. In *Social Change and the Middle Classes*, pp. 330-344, Butler, T. and Savage, M. (eds). London, UCL Press.
- McDowell, L., Ward, K., Perrons, D., Ray, K. and Fagan, C. (2006) Place, class and local circuits of reproduction: exploring the social geography of middle-class childcare in London. *Urban Studies* 43(12), 2163-2182.
- Moser, M. (2006) Rural primary schools: mapping conflict between the community and the market, PhD Thesis. Department of Educational Research, Lancaster University.
- NICE (National Institute for Health and Clinical Excellence) (2009) Promoting physical activity for children and young people. <http://guidance.nice.org.uk/PH17> (Accessed 05/11/09.)
- Ofsted (Office for Standards in Education) (2000a) Ofsted inspection report for 'Fieldsend' C of E School. <http://www.ofsted.gov.uk/> (Accessed 08/04/2004.)
- Ofsted (2000b) Ofsted inspection report for 'Marshland' Community School. <http://www.ofsted.gov.uk/> (Accessed 08/04/2004.)
- Ofsted (2001a) Ofsted inspection report for Local Education Authority. X County Council: from the World Wide Web (Accessed 09/10/05.)
- Ofsted (2001b) Ofsted inspection report for 'Greenthwaite' Community School. <http://www.ofsted.gov.uk/> (Accessed 08/04/2004.)
- Parr, H., Philo, C. and Burns, H. (2004) Social geographies of rural mental health: experiencing inclusions and exclusions. *Transactions of the Institute of British Geographers* 29(4), 401 - 419.
- Reay, D. (1995a) „Using habitus to look at "race" and class in primary school classrooms“. In *Anti-racism, Culture and Social Justice in Education*. Griffiths, M. and Troyna, B. (eds). Stoke-on Trent, Trentham Books.

- Reay, D. (1995b) "They employ cleaners to do that": habitus in the primary classroom. *British Journal of Sociology of Education*, 16(3), 353-371.
- Reay, D. (1996) Contextualising choice: social power and parental involvement. *British Educational Research Journal* 22(5), 581-595.
- Reay, D. (2004) 'It's all becoming a habitus': beyond the habitual use of habitus in educational research. *British Journal of Sociology of Education* 25(4), 431-444.
- Reay, D. and Ball, S. J. (1998) "Making their minds up": Family dynamics of school choice. *British Educational Research Journal* 24(4), 431-448.
- Reay, D., Hollingworth, S., Williams, K., Crozier, G., Jamieson, F., James, D. and Beedell, P. (2007) „A darker shade of pale?“ Whiteness, the middle classes and multi-ethnic inner city schooling. *Sociology* 41(6), 1041-1060.
- Reay, D. and Lucey, H. (2000) Children, school choice and social differences. *Educational Studies* 26(1), 83-100.
- Ribchester, C., and Edwards, B. (1999) The centre and the local: policy and practice in rural education provision. *Journal of Rural Studies* 15(1), 49-63.
- Savage, M. (2000) *Class Analysis and Social Transformation*. Buckingham, Open University Press.
- Smith, D. and Higley, R. (2008) The 'other' dimensions of contemporary rural gentrification. Paper presented at the Royal Geographical Society with IBG Annual International Conference. RGS London, 27-29 August.
- Taylor, C. (2001a) Hierarchies and „local“ markets: the geography of the „lived“ market place in secondary education provision. *Journal of Education Policy* 16(3), 197-214.
- Taylor, C. (2001b) The geography of choice and diversity in the 'new' secondary education market of England. *Area* 33(4), 368-381.
- Taylor, C. (2002) *Geography of the „New“ Education Market: Secondary School Choice in England and Wales*. Aldershot, Ashgate.
- Urry, J. (1995) A middle-class countryside? In *Social Change and the Middle Classes*, pp. 205-219, Butler, T. and Savage, M. (eds). London, UCL Press.
- Valentine, G. (1997) A safe place to grow up? Parenting perceptions of children's safety and the rural idyll. *Journal of Rural Studies* 13(2), 137-148.
- Vincent, C. (2001) Social class and parental agency. *Journal of Education Policy* 16(4), 347-364.

- Vincent, C., Ball, S. J. and Kemp, S. (2004) The social geography of childcare: making up a middle-class child. *British Journal of Sociology of Education* 25(2), 229-244.
- Warrington, M. (2005) Mirage in the desert? Access to educational opportunities in an area of social exclusion. *Antipode* 796-816.
- Willms, J. D. and Echols, F. (1992) Alert and inert clients: the Scottish experience of parental choice of schools. *Economics of Education Review* 11(4), 339-350.
- Woods, M. (2005) *Contesting Rurality: Politics in the British Countryside*. Aldershot, Ashgate.
- Williams, J. (2008) United we stand: a soft federation model for small primary schools www.ncsl.org.uk (Accessed 23/07/09).